

کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۶/۱۱)

حسین مسعودنیا^۱

عبدالرضا عالی‌شاهی^۲

چکیده

حزب عدالت و توسعه به‌رغم اعمال سیاست‌های پراگماتیستی و تحقق اصلاحات وسیع در راستای توسعه اقتصادی ترکیه، کماکان در روند دموکراتیزه کردن ساختارهای سیاسی این کشور با بحران‌های عمیقی مواجه بوده است. در واقع، مسئله اصلی مقاله حاضر اینست که اقتدارگرایی اردوغان و حزب عدالت و توسعه، با روندی پرشتاب ادامه دارد و در این میان، طیف‌های اپوزیسیون در این کشور، به‌ویژه نیروهای نظامی با گرایش‌های کمالیستی رادیکال که از مخالفان جدی سیاست‌های اردوغان و حزب وی بوده‌اند، با طرح و اجرای کودتایی هرچند نافرجام، به تقابل وی مبادرت نمودند. در این مقاله، مساعی نویسندگان حول ارائه پاسخی متقن و علمی بدین سوال است که مهم‌ترین عوامل بسترساز کودتا از سوی نظامیان ترکیه چه بوده است؟ و چرا کودتا نافرجام ماند؟ سیاست‌های داخلی و بین‌المللی آنکارا به‌کدامین سمت متمایل خواهد شد؟ نتایج مقاله با بهره‌گیری از نظریه شکاف‌های اجتماعی، نشان

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) (masoudn@ase.ui.ac.ir)
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (abdolreza.alishahi@yahoo.com)

Archive of SID

می‌دهد که اتخاذ و اجرای سیاست‌های اقتدارگرایانه حزب عدالت و توسعه شکاف‌های اجتماعی و سیاسی را در کشور ترکیه توسعه بخشید و این امر وقوع کودتا را از سوی نظامیان و دیگر مخالفین اردوغان سبب گردید. در ادامه اما به‌رغم سیاست‌های اقتدارگرایانه این حزب، وجود برخی ساختارها پیروزی کودتاچیان و سقوط دولت اردوغان را ناتمام باقی گذارد. روش تحقیق مقاله کنونی نیز مبتنی بر روش جامعه‌شناسی تاریخی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کودتا، ترکیه، نظریه شکاف‌های اجتماعی، اقتدارگرایی، نظامیان.

در ۱۵ جولای ۲۰۱۶، گروهی از نظامیان مخالف رئیس جمهور تحت عنوان حفاظت از دموکراسی و حقوق بشر اقدام به کودتا نمودند، کودتایی که دوام چندانی نیاورده و در ساعات آتی همان شب به دلیل حضور گسترده حامیان اردوغان در خیابان‌ها و مراکز حساس و عدم پشتیبانی بخش گسترده‌ای از احزاب و نظامیان از کودتاجیان به سرانجام نرسیده و شکست خورد.

لذا وقوع چنین کودتایی علیه حزب عدالت و توسعه این سوال را ایجاد کرده که علت طرح و اجرای چنین کودتایی از سوی ارتش چه بوده است؟ و چرا این کودتای نافرجام ماند؟ مهم‌ترین سوال را می‌توان در آینده ترکیه جستجو نمود که با غلبه اردوغان بر کودتاجیان، سیاست‌های داخلی و بین‌المللی آنکارا به کدامین سمت و سوی متمایل خواهد شد؟ در پاسخ به سوال فوق این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که علت شکل‌گیری چنین کودتایی، اتخاذ و اعمال سیاست‌های اقتدارگرایانه روزافزون حزب عدالت و توسعه و در راس آن اردوغان بوده است. به دیگر سخن اقتدارگرایی در حال توسعه حزب عدالت و توسعه دامنه شکاف‌ها و گسترش تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای را در نظام سیاسی این کشور ایجاد نمود که این امر در ادامه منجر به تشدید چالش‌های ایدئولوژیکی میان ارتش و حزب عدالت و توسعه گردید که در نهایت باز خورد آن، ایجاد بحران مشروعیت در حزب عدالت و توسعه در قالب کودتا بوده است (از سوی ارتشیان). در واقع، به‌زعم نویسندگان، کناره‌گیری عبدالله گل از سمت ریاست جمهوری، عزل و نصب‌های گسترده در قوه قضائیه، پاکسازی نیروهای پلیس و مقام‌های امنیتی، مداخله مستقیم اردوغان در تعیین وزرا، کاهش قدرت نخست وزیر و افزایش قدرت ریاست جمهوری، تلاش

برای تغییر قانون اساسی به نفع اردوغان، چالش‌های وسیع با فتح الله گولن^۱، مقابله با روزنامه نگاران و بستن شبکه‌های اجتماعی و برخورد خشن با مخالفین اردوغان در سطح داخلی و... در طول آغاز دهه دوم حکمرانی حزب از سال ابتدای ۲۰۱۱ به این سو، عملاً و برخلاف گذشته از قدرت حزب و رهبرانش کاسته و موجب شد تا قدرت کاملاً شخصی شده و اردوغان بسترهای لازم جهت شکل‌گیری یک حکومت اقتدارگرایانه را فراهم آورد. تداوم رویه فوق‌علاوه‌بر شکاف داخلی میان رهبری حزب عدالت و توسعه که نهایتاً به درگیری گولن با اردوغان انجامید، منجر به حذف شخصیت‌های صاحب نفوذی هم‌چون علی بابا جان، احمد داوود اوغلو و عبدالله گل گردید. رویه‌ای که اردوغان را به یک‌ه‌تاز تعیین سیاست‌ها در ترکیه مبدل نمود و تطور ساختارهای سیاسی ترکیه به سمت و سوی یک دولت کاملاً اقتدارگرا را نوید می‌داد. اقتدارگرایی اردوغان تا آن‌جا پیش رفت که هیچ روزنامه‌نگار، خبرنگار و یا شخصیتی قدرت انتقاد و یا به چالش کشاندن وی را نداشته و بالعکس، این اردوغان بود که برای اولین مرتبه و از زمان شکل‌گیری جمهوری ترکیه تا به امروز، زبان به انتقاد از آتاترک بنیان‌گذار ترکیه گشود. فضای فوق‌زمینه یاس و ناامیدی فزاینده‌ای را میان قشرهای مختلف ترکیه اعم از سکولارهای چپ و ملی‌گرایان افراطی فراهم آورد. از دیگر سو، مداخله روز افزون ترکیه در امور سوریه و عراق و متهم شدن دولت او در عرصه بین‌المللی به‌عنوان دولت حامی تروریست‌های داعش در کنار برهم خوردن فرآیند صلح با کردها در عرصه داخلی، عملاً ترکیه اردوغان را به ورطه بی‌بازگشتی کشانده بود. کودتای ۱۵ جولای نظامیان را می‌توان آخرین تلاش‌های بازماندگان از نظام سابق و وفاداران به نظام لائیسیته

۱. Fethullah Gülen.

دانست.

با این مقدمات اجمالی، مقاله کنونی گامی است در راستای تبیین این موضوع که دلایل ناکامی کودتای ترکیه در ۱۵ جولای ۲۰۱۶ این کشور چه بوده است؟ به دیگر سخن پژوهش کنونی درصدد ارائه پاسخی علمی و متقن بدین سوال است که بهرغم اقتدارگرایی روزافزون حزب عدالت و توسعه چه عواملی پیروزی کودتای ترکیه در ۱۵ جولای را با شکست مواجه نمود؟ روش تحقیق در این مقاله، روش جامعه‌شناسی تاریخی شناخت‌شناسی، ابزارها و بازخوردهای یک پدیده مورد بررسی واقع می‌گردند. به‌عنوان مثال، در راستای شناخت‌شناسی کودتای به‌وقوع پیوسته در ترکیه، ابزارهای کودتای ترکیه برای وقوع کودتا و در نهایت بازخوردهای کودتا در ترکیه، منطقه و حتی جهان گزینش روش مذکور را در نوشتار حاضر لازم می‌نمود. لذا نویسندگان جهت پویایی ذهن خوانندگان و آشنایی هرچه بیشتر و بهتر با کودتای ۱۵ جولای ترکیه از این روش استفاده نموده‌اند. در خصوص پیشینه پژوهش باید افزود که به‌طور کلی دو دسته تحقیقات و پژوهشات داخلی و خارجی در این زمینه صورت پذیرفته است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنان اشاره خواهد شد:

الف - علی محمدیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مدیریت منازعات قومی در ترکیه»^۱، معتقد است که بخش مهمی از بحران‌های به‌وقوع پیوسته در جامعه ترکیه که منتهی به‌وقوع کودتا شده است ناشی از تضاد قومیتی و وجود شکاف‌های عمیق قومیتی در کشور ترکیه بوده است که مهم‌ترین عامل بسترساز وقوع کودتا در ترکیه بوده است.

۱. مجله پژوهشنامه، بهار ۱۳۸۹، شماره ۵۳.

ب - ژاله عبدی و سهیل گودرزی در مقاله ای با عنوان «ارتش در سرایشی دموکراسی»^۱، اذعان نموده‌اند که ساختار ارتش و بوروکراسی متمرکز آن مهم‌ترین علت وقوع کودتاهای متعدد در ترکیه بوده‌اند.

ج - رابرت پیرسون^۲ در مقاله‌ای با عنوان «چه چیزی منجر به تلاش برای کودتا در ترکیه شد؟»^۳ اذعان دارد اقتدارگرایی افراطی اردوغان به‌همراه فعالیت‌های سازمان یافته‌های برخی از مخالفان داخلی و خارجی وی بسترساز وقوع کودتا در ترکیه گردید.

د - کانی تورن^۴ در مقاله‌ای تحت عنوان «تلاش برای کودتا در ترکیه، چه حادثه‌ای در آن شب رخ داد؟» معتقد است که دسیسه‌های قدرت‌های خارجی به‌همراه قدرت روزافزون اردوغان و حزب عدالت و توسعه به‌همراه توطئه کردها عوامل کودتای ۱۵ جولای ترکیه به‌شمار می‌روند.

موارد فوق، هر یک می‌توانند به فراخور موضوع مرتبط گردند، لکن نوآوری مقاله کنونی از این بعد برجسته است که درصدد تبیین وقوع کودتا با بهره‌گیری از تئوری شکاف‌های اجتماعی می‌باشد، به دیگر سخن تعمیق شکاف‌های اجتماعی و گسترش روزافزون نارضایتی گروه‌ها و نخبگان فعال در نظام سیاسی ترکیه با نخبگان حاکم بر این کشور (حزب عدالت و توسعه) عاملی مهم و تاثیرگذار در راستای وقوع کودتا در این کشور بوده است. لذا در ابتدا به تبیین مفهوم شکاف اجتماعی خواهیم پرداخت.

۱. مجله گزارش، مهرماه ۱۳۸۹، شماره ۲۲۱.

۲. Robert Pearson.

۳. What Caused the Turkish Coup Attempt, Politico Magazine, Middle East Institut, July 2016, 16.

۴. Kani Torun.

۱- چارچوب نظری، مفهوم شناسی شکاف اجتماعی

مقوله شکاف اجتماعی یکی از اساسی‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی تلقی می‌گردد که جایگاه ویژه‌ای در تحلیل و بررسی ساختارهای یک نظام اجتماعی دارد در اهمیت مفهوم شکاف‌های اجتماعی همین نکته کفایت می‌کند که برخی از صاحب‌نظران، شناخت، تبیین و تحلیل مفهوم شکاف‌های اجتماعی را وظیفه نخست جامعه‌شناسان می‌دانند (Deji, 2011:44). نکته مهم در این میان این است که شکاف اجتماعی عملاً موجب تفکیک و تقسیم گروه‌های فعال در جامعه می‌گردد. واقعیت نیز حکایت از این مسئله مهم دارد که حیات سیاسی در هر نظامی به انحاء مختلف، تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی آن و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، شکاف‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای مختص آن جامعه می‌باشد (Neckerman & Florencia, 2007: 336). مفهوم شکاف‌های اجتماعی به‌نوعی تداعی‌کننده تضاد و تفاوت اجتماعی نیز می‌باشد، زیرا مبنای اصلی شکاف‌های اجتماعی تاکید بر نقاط افتراق و تفاوت‌های موجود در میان گروه‌های اجتماعی می‌باشد. تفاوت‌هایی که در زمینه‌های مهمی هم‌چون ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی می‌باشد. به‌همین صورت، تعامل اجتماعی به‌صورت چشمگیری تحت تأثیر شکاف‌ها قرار دارند (McKay, 2002: 11). مفهوم شکاف‌های اجتماعی را می‌توان دارای انواع ذیل دانست:

- شکاف‌های فعال و غیرفعال: شکاف‌های غیرفعال، شکاف‌هایی هستند که به‌رغم موجودیت، تأثیر چندانی بر روند زندگی سیاسی و اجتماعی نمی‌گذارند (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۱۵۶). به‌عنوان مثال شکاف‌های موجود در میان احزاب نه‌چندان مهم ترکیه هم‌چون حزب سعادت و حزب جوان ترکیه از این دسته شکاف‌ها تلقی می‌گردند. اما شکاف‌های فعال، شکاف‌هایی‌اند که همواره حیات سیاسی گروه‌های مختلف را با چالش‌های مهمی مواجه می‌کنند. در این

رابطه می‌توان چالش‌های میان ارتش ترکیه و حزب عدالت و توسعه را مثال زد.

- در تقسیمی دیگر، شکاف‌ها را می‌توان به دو نوع شکاف ساختاری و شکاف تاریخی (تصادفی) تفکیک نمود. شکاف‌های ساختاری به‌نوعی از شکاف‌های اجتماعی تلقی می‌گردد که نظام‌های سیاسی، به فراخور برخی از نیازهای پایدار خویش دچار چنین شکاف‌هایی می‌گردند. به‌عنوان مثال، تقسیم کار همواره نوعی از شکاف‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند که مربوط به ساختار یک جامعه است و امر تصادفی به حساب نمی‌آید. اما شکاف‌های تاریخی حاصل فرآیندهای تاریخی یک کشور محسوب می‌شود و تحولات و تصادف‌های تاریخی در فرآیند شکل‌گیری آنها نقش دارند، مانند شکاف‌های قومی، مذهبی یا شکاف‌های زبانی (قاسمی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸).

- شکاف‌های اجتماعی به‌لحاظ نحوه ترکیب و صورت‌بندی در جامعه، به دو نوع شکاف‌های متراکم و شکاف‌های متقاطع تقسیم می‌شوند. در برخی مواقع شکاف‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند و اثر هم‌افزایی بر یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متراکم می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۹۰-۱۹۱). به‌عنوان مثال، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، همواره میان این حزب و ارتش نوعی شکاف ملموس گردیده است. لکن اگر در این میان، بحث دیگری هم‌چون تقویت یا تضعیف رابطه با سوریه پیش آید که مورد اختلاف بیشتر این دو گروه واقع گردد، شکاف قبلی را تشدید می‌کند، شکاف متراکم شکل می‌گیرد و سطح تضادها و تعارض‌ها افزایش می‌یابد. برخی مواقع نیز شکاف‌ها آثار تضعیف‌کنندگی در ارتباط با یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متقاطع می‌گویند (بشیریه؛ قاضیان، ۱۳۸۰: ۴۴).

مسئله مهمی که بیش از شناخت شکاف‌های اجتماعی مهم و دارای اهمیت می‌باشد، نوع برخورد نخبگان حاکم با شکاف‌های موجود و چگونگی حل و فصل

آن می‌باشد. واقعیت اینست که در خاورمیانه، نحوه مواجهه با شکاف‌های اجتماعی در بسیاری از موارد، رویکرد سرکوب و انکار بود و این عامل زنجیر پایان‌ناپذیر خشونت و منازعات پراکنده در این جوامع بوده است. سلطه بی‌چون و چرای نظام‌های اقتدارگرای قوم‌گرا و فرقه‌گرا و فقدان فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نخبگان سیاسی، زمینه را برای منازعات خونین گروهی در این منطقه، البته در صورت فراهم شدن فرصت‌های بروز و بیان نارضایتی‌ها، فراهم کرده است (اشرف نظری؛ سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۲). چنین رویکردی در رابطه با حزب عدالت و توسعه نیز مصداق می‌یابد. واقعیت اینست که حزب عدالت و توسعه از هنگام روی کار آمدن تا به امروز به‌رغم ایجاد اصلاحات بسیار اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و... در زمینه کاهش شکاف‌ها و شکنندگی‌ها نه تنها گامی موثر برنداشته است؛ بلکه با اعمال برخی از سیاست‌های پراگماتیستی بسیاری از نخبگان فعال در جامعه سیاسی ترکیه هم‌چون ارتش و نظامیان را به حاشیه رانده است. چنین رویکردی با واکنش‌های متعددی از سوی مخالفین اردوغان همراه بوده است که تشدید بازخورد آن منجر به وقوع کودتای هرچند نافرجام ۱۵ جولای ۲۰۱۶ گردید. از سویی دیگر، در تبیین چرایی نافرجامی کودتای مذکور، می‌توان دلایل متعددی را مدلول نوشتار کنونی قرار داد. از یک‌سو نتایج سیاست‌های اصلاحاتی اردوغان و کارنامه مناسب حزب عدالت و توسعه در توسعه و سازندگی ترکیه و نیز بهبود مسائل اقتصادی، کنترل تورم، رکود و برخی دیگر از این مسائل (در قالب ساختارهای نرم) و از دیگر سو، مشکلات عدیده کودتاچیان هم‌چون عدم برنامه‌ریزی صحیح، فقدان حمایت‌های لازم و... (در قالب ساختارهای سخت) در نهایت نافرجامی کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ را سبب گردید.

۲- حزب عدالت و توسعه، توسعه اقتدارگرایی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی

پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ میلادی در ترکیه، تلاش‌هایی در راستای گسترش روند دموکراتیزاسیون در این کشور انجام گرفت. در کنار نیازها و فشارهای داخلی و تحولات جهانی، بحث پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نیز عامل مهمی در انجام اصلاحات بود. هم‌چنین، حزب عدالت و توسعه از ابزار اصلاحات برای به حاشیه راندن رقبای داخلی کمالیست خود (ارتش، نهادهای قضایی و احزاب اپوزیسیون کمالیست) بهره‌برداری کرد و توانست ارتش و نظامیان را مطیع حکومت مدنی و انتخابی خود کند. اصلاحات داخلی این حزب، در سال‌های حکمرانی‌اش، تبعات مثبتی بر روند دموکراتیزاسیون در ترکیه گذاشته، اما به تدریج که این حزب به بازتولید قدرت پرداخت، گرایش‌های اقتدارگرایانه‌ای از خود بروز داد است، به طوری که گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد وضعیت شاخص‌های دموکراسی و حقوق بشر در دور حکمرانی این حزب چندان قابل دفاع نیست و حتی در برخی شاخص‌ها روند پسرفت دیده می‌شود. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارش جهانی در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد که حزب عدالت و توسعه در راستای تقلیل حقوق و آزادی‌ها در ترکیه گام‌های زیادی برداشته است. همین گزارش افزوده که حکومت حزب عدالت و توسعه از طریق قانون، به محدود کردن آزادی بیان و انجمن‌ها و تشکل‌ها پرداخته و به برخی از مقامات اجازه داده است که منتقدین را برای ماه‌ها، بازداشت کنند در حالی که محاکمه آنها به جرم و اتهام تروریسم و با تکیه بر شواهد واهی بوده است. نت شکنان، در گزارشی جدیدی تحت عنوان تهدیدهای درحال پیدایش در ترکیه، افشای پرونده‌های فساد، حوادث پارک گزی، شکست پروسه صلح با کردها و از سرگیری جنگ با پ.ک.ک را برای جامعه مدنی و آزادی بیان و مطبوعات در این کشور نگران‌کننده ارزیابی کرد و به روند محدودیت‌ها بر آزادی رسانه‌ها اشاره کرد است. در بخشی از این گزارش بعد از انتشار پرونده‌های مربوط به

فساد اقتصادی از سوی محافل نزدیک به جنبش فتح الله گولن در دسامبر ۲۰۱۳ و اکنش‌های تندى نسبت به آن از سوی مقامات دولت ترکیه صورت گرفت و در لیست‌های سازمان‌های تروریستی قرار داد شد (اشرف نظری؛ سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۵). لذا می‌توان مدعی شد که حزب عدالت و توسعه کم‌ترین مخالفت‌ها را نیز موجه ندانسته و در راستای تقویت قدرت خویش و به حاشیه راندن مخالفان تمامی مساعی خویش را برگماشت. در ادامه بدین موضوع خواهیم پرداخت که اعمال چنین سیاست‌هایی منجر به افزایش تنش و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی میان حزب عدالت و توسعه و دیگر نخبگان فعال در نظام سیاسی ترکیه منجر گردید.

۲-۱. کودتای نظامی: اصولاً یکی از غیردموکراتیک‌ترین و مستقیم‌ترین سطح مداخله نظامیان در سیاست، کودتاست. کودتا اصطلاحی فرانسوی و ترکیبی از دو واژه "Coup" به معنی ضربه و "detate" به معنای دولت است. کودتا تغییر در حکومت به‌وسیله زور است. بدون در خدمت گرفتن سازمان ارتش نمی‌توان به کودتا دست زد علاوه بر این کودتاها معمولاً به‌صورت پنهانی و سریع و اصولاً در پایتخت کشورها صورت می‌گیرد (Ozan, 2014: 7). هم‌چنین مسعودنیا؛ خانی، ۱۳۹۱: ۲۲۰).

۲-۲. ارتش و سیاست در ترکیه: ارتش در جمهوری ترکیه همواره در سیاست حضوری فعال و بعضاً مخرب داشته است. از اوایل دهه ۱۹۲۰، نظامیان ترکیه نقش موثری را در تشکیل دولت مدرن ترکیه ایفا کردند. نیروهای مسلح ترکیه از کودتای ۱۹۶۰ میلادی به‌بعد نقش آشکاری را در امور سیاسی کشور خود ایفا کرده‌اند و در چهار بار با هدف تغییر دولت در سیاست ترکیه مداخله کردند (Haugom, 2012:4-5) که عبارت‌اند از:

کودتای ۱۹۶۰: اولین کودتای نظامی موفق این کشور در تاریخ ۲۷ می ۱۹۶۰ پس از ماه‌ها اعتراضات خیابانی مردم و دانشجویان علیه حزب حاکم

Archive of SID

دموکراتیک «عدنان مندرس»^۱ به وقوع پیوست. این کودتا با طراحی «آلپ ارسلان تورکش»^۲ و به رهبری ژنرال «جمال گورسل»^۳ به حاکمیت ده ساله حزب دموکراتیک پایان داد و نخست وزیر کشور (عدنان مندرس) به دنبال این کودتا پس از چند ماه اعدام شد؛ اما اوضاع اقتصادی بهتر نشد. ارتش مدعی شد که دلیل کودتا بی کفایتی حاکمان سیاسی وقت بوده است. کودتای ۱۹۶۰ بعد از ۵ سال با حاکمیت نظامیان خاتمه یافت و در این مدت نظامیان قانون اساسی جدیدی بر اساس اصول لیبرال و آرمان‌های مصطفی آتاتورک تنظیم کردند و سران حکومت قبلی را نیز به دار اعدام آویخت (Gun, 2015: 110).

کودتای ۱۹۷۱: دومین کودتای نظامی یازده سال بعد، یعنی در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۷۱ روی داد. این بار نیز به دنبال اوضاع بد اقتصادی که به سبب سقوط شدید ارزش پول ملی و نرخ تورم ۸۰ درصدی، تظاهرات خیابانی گسترده مردم علیه این وضعیت و حزب حاکم جمهوری خلق در جریان بود، بار دیگر ارتش به خود اجازه مداخله داد و با وعده بازگرداندن نظم و امنیت و بهبود اقتصادی به کشور اقدام به کودتا کرد. این کودتا در اصل یک تذکاریه رسمی به نخست وزیر «سلیمان دمیرل»^۴ بود که هر چه سریع‌تر موظف است ثبات و رونق اقتصادی را به کشور بازگرداند. اما دمیرل پس از دریافت این اخطاریه و به دنبال مشورت با اعضای کابینه‌اش، استعفا داد و استعفای دولت به دنبال اخطار ارتش به کودتا تعبیر شد. به دنبال این کودتای بدون خونریزی نیز اوضاع اقتصادی بهتر نشد، به نحوی که از تاریخ وقوع کودتا تا وقوع کودتای سوم،

۱. Adnan Menderes.

۲. Alparslan Turkes.

۳. Cemal Gursel.

۴. Sami Suleyman Gundogdu Demirel.

تعداد یازده دولت بر سر کار آمدند و هیچ یک نتوانستند به اوضاع سامان دهند (Dilipak, 2014: 3).

کودتای ۱۹۸۰: کودتای سوم در تاریخ سیاسی ترکیه نیز که در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ روی داد هم چون دو مورد قبلی به دنبال نارضایتی مردم از اوضاع بد اقتصادی و رکود و کساد کسب و کار و درگیری خیابانی گروه‌های دست راستی و دست چپی در خیابان‌ها و ترور هزاران نفر، با دخالت دوباره ارتش و وعده رفاه و امنیت به وقوع پیوست. در این کودتا ژنرال‌های ارتش که ظاهراً با هماهنگی و اطلاع دولت «جیمی کارتر»^۱ در آمریکا در حال وقوع بود به این نتیجه رسیدند که زمان مداخله دیگر فرا رسیده است. کودتاچیان که با وعده آرامش، ثبات و رفاه اقتصادی و امنیت وارد کارزار سیاسی شده بودند، در پایان با دستگیری، زندانی کردن و شکنجه صدها هزار نفر از مردم و اعدام ده‌ها نفر، صحنه را به غیر نظامیان واگذار کردند (Naylor, 2015: 11). در این دوران پس از تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی تدوین شد که امتیازات ویژه‌ای را برای ارتش در نظر می‌گرفت از جمله آنها شورای امنیت دولتی بود. این قانون اساسی نسبت به قانون اساسی ۱۹۶۱ بسیار اقتدارگرایانه‌تر بود به‌خاطر این که ارتش در سال ۱۹۸۰ ماده قانونی را در قانون اساسی گنجانده بود که به موجب آن صلاحیت ارتش برای انجام کودتا به رسمیت شناخته شده بود و از جمله وظایف نیروهای مسلح به‌شمار می‌رفت.

کودتای ۱۹۷۷: چهارمین و آخرین کودتای موفق نظامی در ترکیه که به کودتای پست مدرن نیز معروف است، در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ به دنبال قدرت‌گیری حزب اسلام‌گرای رفاه تحت رهبری نخست وزیر «نجم الدین

۱. Jimmy Carter.

اربکان^۱ و علیه سیاست‌های اسلام‌گرایانه وی روی داد. در این کودتا نظامیان با یادآوری سنت‌های لائیک موجود در قانون اساسی، از قدرت‌گیری بیش از پیش یک حزب اسلام‌گرا جلوگیری کردند و با کنار گذاشتن اربکان سعی کردند تا دیگر بار مسیر جمهوریت نوین ترکیه را به لائسیسم بازگردانند. این بار نیز هم‌چون دفعات قبل، مداخله نظامیان سودی نبخشید و چهار سال بعد، نتیجه غیر مستقیم این اقدام آنها بنیان‌گذاری حزب اسلام‌گرای دیگری تحت عنوان «حزب عدالت و توسعه» توسط دو اسلام‌گرای مصمم به نام‌های عبدالله گل و رجب طیب اردوغان در تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۰۱ بود که توانست در انتخابات سراسری سال بعد یعنی سال ۲۰۰۲ با کسب اکثریت کرسی‌های مجلس حکومت را از آن اسلام‌گراها نماید (Kolmuss & Agyeman, 2002: 247-248). قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه در ابتدای هزاره سوم را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ ترکیه قلمداد نمود. ترکیه امروزی برخلاف دهه‌های پیشین و به‌مدد سیاست‌های کارآمد رهبران حزب مسیر پیشرفت و اعتلا را در پیش گرفته است، مسیری که عضویت در جی ۲۰ و رونق اقتصادی بالای این کشور در کنار نقش آفرینی فزاینده در تحولات منطقه تنها مصادیقی از قدرت ترکیه بسان کشوری نوظهور در جامعه بین‌المللی است (Devrimci, 2014: 2-3).

۲-۳. ارتش و کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶

مصطفی کمال آتاتورک، بنیان‌گذار ترکیه نوین، در سال ۱۹۲۳ نقش ارتش را

۱. Necmettin Erbakan.

۲. گروه ۲۰ به انگلیسی (G-20) یا گروه بیست اقتصاد بزرگ گروهی متشکل از وزرای اقتصاد (دارائی) و مسئولان بانک‌های مرکزی بیست اقتصاد مطرح دنیاست. گروه ۲۰ متشکل از قدرتمندترین کشورهای جهان است که در مجموع ۸۵ درصد اقتصاد جهان را در اختیار دارند.

در قانون اساسی این کشور محافظ و پاسدار قانون اساسی و جمهوریت قرار داد و به‌طور بنیادین به ارتش حق دخالت در امور سیاسی را واگذار کرد و ارتش در روزهای پایانی قرن ۲۰ می‌توانست مرزهای سیاسی، حکومت و قدرت را در ترکیه ترسیم کند (Lewis, 2016: 2). نظامیان ارشد ترکیه همواره با اشاره به قوانین داخلی کشورشان عنوان داشته‌اند که برای حفاظت از «جمهوری» باید در امور سیاسی دخالت کنند، اما این اظهارات به‌عنوان توجیهی حقوقی برای سرنگونی دولت‌هایی مطرح می‌شود که به‌گمان آن‌ها «اصول جمهوریت»^۱ را در قانون اساسی، خصوصاً درباره سکولاریسم، تضعیف می‌کنند (Rawlinson, 2016: 6) ولی اردوغان از سال ۲۰۰۳ میلادی که قدرت را در ترکیه به‌دست گرفت، قدرت ارتش را از طریق ایجاد اصلاحات کاهش داد تا بدین‌صورت در گام نخست اقتدارگرایی خویش را بیش از پیش در نظام سیاسی ترکیه تقویت کند، ثانیاً با این اقدام، یکی از مهم‌ترین نخبگان فعال مخالف را به انزوای سیاسی رانده، ثالثاً شرایط را برای منع وقوع کودتاهای دیگر را در ترکیه فراهم آورد. بنابراین شکاف‌های اجتماعی موجود میان ارتش و حزب عدالت و توسعه بیش از پیش تعمیق یافته به‌نوعی متراکم گردید. ارتش نیز در راستای جبران قدرت از دست رفته خویش از یک‌سو و نیز ایجاد نوعی بحران مشروعیت در حزب عدالت و توسعه، طرح و اجرای کودتا را مناسب‌ترین رویکرد در این زمینه‌ها تلقی نمود. به‌همین سبب، مجموعه عواملی که منجر به طراحی و اجرای کودتا از سوی نخبگان نظامی ترکیه گردید را در ذیل به‌ترتیب ذکر خواهیم کرد. عواملی که به‌زعم نویسندگان می‌توان ذیل عوامل اصلی و عوامل تسهیل‌کننده قرار داد. منظور از عوامل اصلی مجموعه سیاست‌های

۱. Republican Principles.

پراگماتیستی اتخاذ شده از سوی حزب عدالت و توسعه در راستای اقتدارگرایی خود و انزوای ارتش و دیگر مخالفین می‌باشد و مقصود از عوامل تسهیل‌کننده مجموعه سیاست‌های اتخاذ شده از سوی حزب عدالت و توسعه می‌باشد که به‌زعم ارتش، کشور ترکیه را از توسعه و پیشرفت در عرصه‌های مختلف منع می‌کند.

۲-۳-۱. تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان نخبگان سیاسی حاکم بر ترکیه (حزب عدالت و توسعه) و ارتش (نیروهای نظامی)، بر اساس عوامل اصلی

الف) محدود کردن نقش ارتش در شورای امنیت ملی: از سال ۱۹۶۱ میلادی رهبران نظامی ترکیه با ایجاد شورای امنیت ملی به مداخله خود در دولت و سیاست‌گذاری کشور ساختاری قانونی بخشیدند. این شورا یک نهاد مشورتی متشکل از مقامات نظامی و غیر نظامی است که به ریاست رییس‌جمهور ترکیه تشکیل جلسه می‌دهد. با وجود عضویت غیر نظامیان در این شورا، نظامیان از این نهاد به‌عنوان ابزاری تاثیرگذار بر سیاست‌گذاری عمومی در زمینه‌های گوناگون استفاده می‌کنند (جلالی، ۱۳۹۱: ۷۹). با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، شورای امنیت ملی، نخستین نهادی بود که در راستای کاهش قدرت ارتش از سوی حزب مذکور مورد جرح و تعدیل اساسی واقع گردید. اردوغان ترکیب این شورا را تغییر و ریاست آن را به یک غیرنظامی سپرد و از این طریق باعث محرومیت ارتش از یکی از توانایی‌های ارزشی آن شده است (خواجه سروی؛ میرزایی، ۱۳۹۱: ۹۸-۹۹).

ب) منحل شدن سازمان ارگنه‌کن و نارضایتی ارتش: دومین قدم اردوغان متلاشی کردن سازمان مخوف «ارگنه‌کن»^۱ بود که سازمانی مخفی و با عضویت

۱. Ergenekon.

نیروهای نظامی و ملی‌گراهای افراطی ترکیه بود در سال ۲۰۰۸ بیش از صدها نفر که شامل چندین ژنرال ارتش، مقامات حزبی و رئیس سابق شورای امنیت بودند به جرم همکاری و عضویت در این سازمان دستگیر و محاکمه شدند (Montgomery, 2008: 3). این سازمان درصدد براندازی حزب عدالت و توسعه بود. در پرونده ارگنه‌کن که بسیاری از نظامیان متهم به کودتا علیه دولت در آن شدند؛ اردوغان دست بازتری پیدا کرد تا تعدادی از ژنرال‌های مهم را برکنار و دادگاهی کرده و در نهایت نقش ارتش را نیز به‌همین بهانه کاهش دهد. اما این زیاده‌روی‌ها نارضایتی‌هایی را در میان احزابی به‌وجود آورد که خواهان نقش‌آفرینی‌های جدی ارتش در عرصه سیاسی ترکیه هستند (Kocamaner, 2016: 3).

ج) اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۱ و سلب مصونیت‌های ارتش: قانون اساسی ترکیه میراث کودتای سال ۱۹۸۰ این کشور و طرفداران کمالیسم است و به‌همین خاطر براساس آن هم‌چنان سایه سنگین نظامیان ترکیه در اداره این کشور به‌چشم می‌خورد. پس از این‌که دولت اردوغان نقشه‌های مختلف نظامیان سابق این کشور را برای بی‌اعتبار کردن حزب عدالت و توسعه کشف کرد و گروه‌های مخوفی مانند ارگنه‌کن متلاشی شد همه مقام‌های دولتی این کشور متوجه شدند که تغییر قانون اساسی این کشور برای طی مسیر برقراری دموکراسی یک نیاز حیاتی به‌حساب می‌آید اصلاحات قانون اساسی ترکیه که با رای مثبت مردم در همه پرس‌تائید شد، گام جدیدی از سوی حزب عدالت و توسعه برای استقرار دموکراسی در این کشور و کوتاه کردن دست نظامیان از امور سیاسی بوده است (کرباسی، ۱۳۸۹). بندی در قانون اساسی ۱۹۸۰ وجود داشت که کسانی که در کودتای ۱۹۸۰ دخالت داشتند نمی‌توانند محاکمه شوند. این ماده‌ای غیر دموکراتیک بود و در جریان این اصلاحات حذف شد یا ماده‌ای که به ممنوعیت محاکمه نظامیان در محاکم غیرنظامی مربوط است. این

ماده جدیدی است که فضا را برای کاهش قدرت نظامیان مساعد می‌کند و باعث حرکت سریع‌تر ترکیه به سمت دموکراسی می‌شود (قهرمان پور، ۱۳۸۹). در نظام سیاسی ترکیه تا پیش از این دولت نقشی در انتخاب قضات نداشت. براساس اصلاحات قانون اساسی، پاسخگویی نظامیان این کشور در دادگاه‌های غیرنظامی بیشتر شد و پارلمان ترکیه قدرت بیشتری در انتصاب قضات خواهد داشت. براساس اصلاحات قانون اساسی هم‌چنین مصونیت قضایی کودتاگران هم به‌صورت نمادین حذف شده است که به‌عقیده بسیاری مشروعیت کودتا را در این کشور از بین می‌برد (اینانلو؛ فکری، ۱۳۹۲: ۸۱).

د) اصلاح ماده ۳۵ قانون اساسی در سال ۲۰۱۳ و محروم کردن ارتش از توانایی‌های ارزشی خود (حفظ و حراست از سنت کمالیستی): مطابق ماده ۳۵ قانون سرویس داخلی، نخستین وظیفه ارتش «مسئولیت حفاظت از خاک کشور و جمهوری ترکیه براساس تعریف جمهوری در قانون اساسی از وظایف نیروهای مسلح کشور» عنوان شده است. در ۵۵ سال گذشته، ارتش برای حفاظت از سیستم کمالیستی پنج‌بار و در سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰، ۱۹۹۷ و ۲۰۱۶ به مداخله دست زده است. در چنین فرآیندی ارتش را می‌توان حافظ اصلی ایدئولوژی کمالیستی و سکولاریسم به‌عنوان ستون فقرات نظام سیاسی ترکیه دانست. در این فرآیند، ارتش اجازه یافته تا در صورت نیاز به زور در مقابل تهدیدات داخلی به اندازه تهدیدات خارجی، در حوزه سیاست ایفای نقش کند (متقی، ۱۳۹۵). در جولای ۲۰۱۳ پارلمان ترکیه به پیشنهاد حزب عدالت و توسعه این قانون را که نیروهای مسلح بارها برای کودتا در کشور به آن استناد کرده بودند، اصلاح کرد تا به این ترتیب مداخله ارتش ترکیه در سیاست این کشور محدودتر شود (اشرف نظری؛ سلیمی، ۱۳۹۵). به‌موجب اصلاحات به‌عمل آمده، این ماده به‌صورت زیر تغییر یافته است: مسئولیت حفاظت از خاک ترکیه علیه خطر و تهدید خارجی، تقویت قدرت بازدارندگی

نیروهای مسلح، انجام ماموریت در خارج براساس آنچه پارلمان کشور مشخص می‌کند و حمایت از صلح بین‌المللی از وظایف نیروهای مسلح در ترکیه به‌شمار می‌آید. اصلاح این ماده از قانون اساسی در واقع براساس پیشنهاد نمایندگان فراکسیون حزب عدالت و توسعه انجام شده است. ارتش ترکیه به‌طور سنتی، برای بیش از ۷۰ سال، بازوی مسلح کمالیست‌ها در عرصه سیاسی این کشور بوده است. اکنون با اصلاح قانون اساسی از جمله با توانمند کردن محاکم غیرنظامی برای محاکمه فرماندهان ارتش و تبعیت محاکم نظامی از قوانین جزای عمومی، حزب عدالت و توسعه موفق شده است گام مهمی برای پاسخگویی بیشتر ارتش در برابر مردم و دیگر نهادهای ترکیه، بردارد (کرباسی، ۱۳۸۹).

ه) عدول حزب اعتدال و توسعه از ارزش‌های کمالیستی و نارضایتی ارتش: ارتش و وارثان سیاسی و فکری کمال آتاتورک معتقد به حاکمیت دولتی قوی و در عین حال متأثر از ارزش‌های لیبرالیسم غربی، نظام سیاسی لائیک با محدودسازی رفتارهای مذهبی حتی در حوزه‌های اجتماعی و سبک زندگی هستند. آنها خود را مدرن، آزاداندیش، سکولار و فردگرا معرفی کرده و در مقابل اسلام‌گرایان را فارغ از تنوعات فکری آنها در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی سنتی، اقتدارگرا، مذهب‌محور و جمع‌گرا توصیف می‌نمایند (فلاحت پیشه؛ ولد بیگی، ۱۳۹۲: ۹۳). سیاست خارجی ترکیه نیز مبتنی بر اصول ششگانه کمالیستی است که در قانون اساسی سال ۱۹۳۷ میلادی نیز مندرج شده است که عبارت‌اند از: (۱) ناسیونالیسم، (۲) سکولاریسم، (۳) جمهوری خواهی، (۴) مردم‌گرایی، (۵) دولت‌گرایی، (۶) اصلاح‌طلبی. تحت تاثیر این اصول رهبران ترکیه، جامعه‌ای با دو ویژگی بنا نهادند. ویژگی نخست ترکیه را از کشورهای منطقه و مسایل آنها دور می‌کرد و ویژگی دوم، سیاست خارجی ترکیه را هرچه بیشتر به‌سوی غرب و هم‌پیمانان آنها سوق می‌داد (ساعی؛ محمدزاده، ۱۳۹۲:

۴۶). ولی از زمانی که حزب اعتدال و توسعه به قدرت رسیده است، سیاست خارجی آن کشور توسط احمد داود اوغلو تئوریزه شده و مولفه‌های تشکیل دهنده عمق استراتژی حزب عدالت و توسعه را می‌توان چنین نام برد:

(۱) ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛

(۲) برای اجرای بهتر آن باید بر روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند چرا که به‌نظر او کشورش با همه مناطق اطراف دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛
(۳) نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای مناطق اطراف باشند؛

(۴) اقتصاد بازویی قدرتمند برای پشتیبانی از این روابط است؛

(۵) باید در مدیریت بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نقش مهمی را ایفا کند؛

(۶) با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه، نیاز به مداخله خارجی را از بین ببرد؛

(۷) به‌جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند (مسعودنیا، نجفی؛ فروغی، ۱۳۹۱:

۷۱؛ نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۵). در پرتو چنین استراتژی، ترکیه به‌جای جایگاه بی‌طرفانه خود در امور خاورمیانه به یک بازیگر مهم در این منطقه تبدیل

شده و وارد بحران‌های بین‌المللی شد و به مداخله روزافزون در امور سوریه و عراق پرداخت که این امر باعث متهم شدن دولت ترکیه در عرصه بین‌المللی

به‌عنوان دولت حامی تروریست‌های داعش در کنار برهم خوردن فرآیند صلح با کردها در عرصه داخلی شده است. اعمال چنین سیاست‌هایی هر چند با متقاعد

کردن بعضی از ژنرال‌های ارتش صورت گرفته؛ ولی باعث نارضایتی افراد وابسته به اصول کمالیستی شده تا آنها درصدد طرح و اجرای کودتا در راستای

تحقق دوباره اصول شش‌گانه سیاست خارجی کمالیستی باشند.

و) سرکوب جنبش گولن: جنبش گولن در ترکیه امروز به‌عنوان یکی از جریان‌های فکری در دو حوزه «اسلام مدنی» و «اسلام سیاسی» در ترکیه و منطقه خاورمیانه شناخته شده است. این جنبش در صدد بهبود اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ترکیه با استفاده از تفسیر رابطه‌ای توأم با مدارا میان دین و سیاست، اقتصاد ملی و الگوی اسلام لیبرال در عرصه‌های سیاسی و مدیریتی با تاکید بر کار فرهنگی است (نوروزی فیروز، ۱۳۹۱: ۶۸). این جنبش در ۱۴۰ کشور جهان، مدرسه، دانشگاه، خانه فرهنگ و کانون فعالیت دینی و مذهبی را دایر کرده و از اربیل کردستان تا ترکمنستان، اوکراین، سراسر آسیای میانه، شرق دور، بالکان، استرالیا، اقیانوسیه، آمریکا و شمال آفریقا شاگردان و کانون‌های فعالی دارد و نفوذ گولن و پیروان او در حوزه‌های گوناگون سیاست، بازار، ادارات، دستگاه‌های قضا، دستگاه پلیس و امنیت و سایر حوزه‌های جامعه ترکیه تاثیرگذار بود که حزب عدالت و توسعه در تصمیمات راهبردی خود، ابتدا کسب رضایت گولن را مورد عنایت قرار می‌دادند و به‌خاطر این که رهبران و اعضای حزب عدالت و توسعه از شاگردان اصلی گولن بوده‌اند، از فعالیت‌های آموزشی این جریان در داخل و خارج ترکیه حمایت دولتی بسیاری به‌عمل آوردند و این گروه سال‌هاست عناصر خود را وارد نیروهای مسلح کرده و قریب به ۲۰۰۰ نفر عضو این گروه در داخل نهادهای نظامی نفوذ کرده‌اند (فلاح پیشه؛ ولدییگی، ۱۳۹۲: ۹۹) ولی از سال ۲۰۱۳ به‌بعد اختلاف میان فتح الله گولن و اردوغان افتاده و فتح الله گولن به تبعید اختیاری در پنسیلوانیای آمریکا رفته و اردوغان دست به سرکوب این جنبش در داخل ترکیه زده است؛ هم‌چنین در دو سال گذشته دست به عملیات علیه نیروهای این جریان در ساختار قضایی و اطلاعاتی ترکیه زده و صدها نفر به جرم همکاری با جریانی زیرزمینی در درون دولت دستگیر شده بودند و یک هفته قبل از کودتا تعدادی از افسران ارتش وابسته به گولن تحت بازداشت قرار گرفتند. در واقع

چنین اقداماتی، شاخه نظامی گولن را متوجه کرده است که با کودتا یا بدون کودتا در هر حال، سرکوب و ریشه کن خواهد شد و این جریان را بر آن داشت تا با پیش چشم گرفتن تمام ریسک‌های پیروزی یا شکست کودتای خود دست به کار شود. بنابراین طی یک اقدام متهورانه دست به کودتا زدند. جریان گولن در ارتش در شکل یک هسته مخفیانه با نام «کمیته صلح در جهان» در حال مدیریت اوضاع بود و کودتا توسط این هسته طراحی، مدیریت و اجرا شده است (Lewis, 2016: 3).

۲-۳-۲. تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان نخبگان سیاسی حاکم بر ترکیه (حزب عدالت و توسعه) و ارتش (نیروهای نظامی)، بر اساس عوامل تسهیل کننده

به‌زعم نویسندگان، به‌غیر از مجموعه عواملی که به‌صورت مستقیم اهداف، سیاست‌ها و قدرت و نفوذ ارتش و نظامیان را در عرصه‌های سیاسی ترکیه محدود و منع نمود و شکاف‌های اجتماعی آنان را با حزب عدالت و توسعه تعمیق بخشید، مجموعه دیگری از علل و عوامل در این راستا دخیلند که شکاف‌های اجتماعی را با سهولت بیشتری تعمیق بخشیده و در نهایت در طراحی و اجرای کودتا از سوی نظامیان موثر واقع افتادند. این مجموعه عوامل تسهیل کننده در کنار عوامل اصلی که بدان پرداختیم در نهایت شکاف‌های اجتماعی را به بیشترین میزان میان ارتش و نخبگان حاکم (حزب عدالت و توسعه) رساند و منجر به وقوع کودتا گردید.

الف - نمایان شدن ضعف دولت در برقراری امنیت و ترویج تروریسم؛ یکی از دستاویزهای مهم ارتش و نیروهای نظامی ترکیه در راستای طراحی و اجرای کودتای ۱۵ جولای، این موضوع بود که دولت اردوغان اصولاً در برقراری امنیت داخلی در این کشور به‌شدت دچار ضعف شده است. از یک‌سو فعالیت‌های گروهک تروریستی داعش در مرزهای ترکیه و بعضاً در داخل این

تبیین دلایل کودتای نافرجام ۱۵ جولای ... ۱۹۷ *Archive of SID*

کشور جوی آکنده از رعب و وحشت را در میان ساکنان و مردمان ترکیه ایجاد نموده است. انفجارهای متعدد در این کشور هم‌چون انفجار تروریستی در فرودگاه آنکارا، چندین مرکز تفریحی، بازارهای ترکیه و در نهایت ترور سفیر روسیه در این کشور همگی شرایط ناامنی گسترده‌ای را برای ساکنین این کشور رقم زده است. از دیگر سو، کشور ترکیه در خلال سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ به سبب ناامنی‌های گسترده فقط در صنعت توریسم ۱۶٫۵ درصد ضرر و زیان دیده است که این میزان به مبلغ ۹٫۵ میلیارد دلار می‌باشد (Feldberg, 2016: 7). آمارها نیز حاکی از این موضوع می‌باشند که میزان فعالیت‌های تروریستی در داخل خاک ترکیه در خلال یک دهه در سال ۲۰۱۶ میلادی به بیشترین میزان خود رسیده است. افزایش دامنه فعالیت‌های تروریستی در این سال منجر به قتل ۳۳۷ نفر شده است (Bodkin & Other, 2016: 5).



نمودار (۱) توسعه تروریسم در ترکیه در خلال سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ میلادی

ب - هزینه‌سازی فراوان در بحران سوریه: از دیگر نکاتی که ارتش ترکیه همواره حزب عدالت و ترکیه را مورد نقد جدی قرار می‌دهد، سیاست‌های اشتباه این دولت در خصوص بحران سوریه می‌باشد. نخبگان نظامی ترکیه همواره معتقدند که حضور ترکیه در بحران سوریه، این کشور را نیز گرفتار بحران‌های امنیتی بعضاً خطرناکی خواهد کرد. واقعیت نیز حکایت از این موضوع دارد که

دولت اردوغان امروزه به شدت متضرر حضور مستقیم یا غیرمستقیم در این بحران شده است. مواردی هم چون افزایش قدرت گروه‌های کردی به‌ویژه PKK در مناطق کردنشین شمال سوریه یکی از نتایج اقدامات نسجیده و توهم‌زای حزب عدالت و توسعه بوده است. قدرت گرفتن کردهای شمال سوریه عمده‌تأ ناشی از دخالت مستقیم نیروهای آمریکایی در منطقه است، لذا این موضوع باعث شد که دولت ترکیه به‌صورت مستقیم به درگیری‌های مناطق شمالی سوریه وارد شود. در ادامه ترکیه به‌دنبال ممانعت از پیشروی نیروهای کردی به کرانه غربی رود فرات است. هم‌چنین تشکیل دولت آزاد نیز از اهداف دیگر ترکیه برای تشکیل چنین منطقه‌ای محسوب می‌شود. گرچه ممکن است به نظر برسد که تشکیل منطقه امن در شمال سوریه به نفع آنکارا است، اما با توجه به این که ابعاد مختلف این طرح از سوی ترکیه سنجیده نشده است، به قطع و یقین این موضوع در آینده به ضرر این کشور تمام خواهد شد. گذشته از مسائل امنیتی و سیاسی حضور ترکیه در این بحران به شدت از لحاظ اقتصادی برای این کشور پرهزینه بوده است. مخالفین حزب عدالت و توسعه، به‌ویژه ارتشیان این کشور با ارائه آماری در این رابطه معتقدند که مبلغی در حدود ۱۷ میلیارد دلار ضرر عاید ترکیه در این بحران شده است. هزینه‌هایی که صرف پناهندگان سوری داخل ترکیه و زیان‌هایی که پس از این بحران‌ها به صنعت توریسم ترکیه وارد شده است، دلایل اصلی این خسارت اقتصادی را تشکیل می‌دهد. دولت ترکیه تا کنون ۵٫۵ میلیارد دلار برای پناهندگان سوری هزینه کرده است. بحران‌های داخل سوریه و عراق، علاوه بر هزینه‌های مستقیمی که برای دولت ترکیه داشته، باعث افت شدید درآمدهای ترکیه از توریسم و صادرات

۱. در این رابطه رجوع شود به: حاجیان، محمدرضا (۱۳۹۵)، ترکیه در باتلاق بحران سوریه گرفتار شده است، اسلام تایمز، ۱۸ مهر ۱۳۹۵.

نیز شده است (Orhan, 2015: 2).

ج - ضعف شدید دولت در تقابل با گروهک‌های پ.ک.ک: به‌رغم وعده‌های اردوغان در خصوص حل‌وفصل بحران کردستان و به‌ویژه گروهک پ.ک.ک.ک.کماکان بسیاری از چالش‌ها و درگیری‌های نظامی میان دو طرف کماکان به‌قوت خود باقی است. نخبگان ارتشی همواره سیاست‌های اردوغان و حزب عدالت و توسعه را در قبال برخورد با پ.ک.ک.ک مورد انتقاد قرار داده‌اند. از دیگر سو، نه‌تنها بحران میان طرفین حل‌وفصل نشده؛ بلکه در مارس ۲۰۱۶ این گروهک به فرماندهی مراد کارائیلان رسماً اعلام جنگ به دولت مرکزی ترکیه را اعلام نمود. این چالش و درگیری‌هایی نظامی اکنون نیز با شدت بیشتری ادامه دارد (Fisk, 2016: 7-8).

د- رویکرد اردوغان در قبال روسیه و عذرخواهی وی در قبال پوتین: یکی دیگر از دستاویزهای شدید نخبگان ارتش از سیاست‌های پراگماتیستی اردوغان و حزب عدالت و توسعه، عذرخواهی حیثیت‌شکنانه وی از دولت روسیه می‌باشد. به‌واقع، ارتشیان ترکیه اعتقاد راسخی به آرمان‌های کمالیستی و اقتدار ترکیه در منطقه و جهان دارند. از سویی دیگر، اردوغان نیز درصدد تحقق رویای نوع‌ثمانی‌گری می‌باشد، لکن سیاست‌های وی در قبال روسیه و دولت پوتین و به‌نوعی تحقیر دولت ترکیه پس از واقعه سرنگونی جنگنده روسی در خاک این کشور اعتراضات بسیاری از نیروهای اپوزیسیون ترک، به‌ویژه نخبگان نظامی این کشور را به‌همراه داشت (Litovkin, 2016: 3).

۳- چرایی نافرجامی کودتای ۱۵ جولای در سرزمین آتاتورک

پس از اجرایی شدن کودتا از سوی ارتش ترکیه با توجه به مجموعه دلایلی که ذکر گردید، در همان ساعات ابتدایی، کودتا با شکست مواجه گردید. در رابطه با چرایی ناکامی کودتا می‌توان به دلایل زیر اشاره نمود:

۳-۱. عدم موفقیت ارتش ترکیه در ایجاد بحران مشروعیت علیه حزب عدالت و توسعه: برآورد تحولات ترکیه نشان می‌دهد که با وجود مخالفت‌های گسترده با اردوغان و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی وی، او هم‌چنان حمایت بخش‌های عمده‌ای از جامعه به‌ویژه اقلیت مذهبی و حاشیه‌نشین را پشت سر خویش دارد. از همین رو و با آغاز کودتا، هواداران بی‌شمار او به میدان آمده و در راستای مقابله با کودتاگران اقدام نمودند. با اعلام وقوع کودتا از سوی کودتاگران، رجب طیب اردوغان از طریق شبکه فیس‌تایم به گفتگو با هوادارانش پرداخته و خواستار حضور آنها در سطح خیابان‌ها تا پایان شکست پروژه کودتا شد. وفاداران به اردوغان بی‌درنگ به مقرهای حساس هم‌چون فرودگاه آتاترک و شبکه تی.آر.تی هجوم برده و کودتاچیان را از این مکان‌ها اخراج نمودند (Soguel, 2016: 5).

۳-۲. عدم شکل‌گیری ائتلاف قدرتمند ارتش و دیگر مخالفین حزب عدالت و توسعه: در نقطه مقابل اما، حتی دشمنان اردوغان نیز از کودتاچیان حمایت نمودند. حضور احتمالی شهروندان مخالف اردوغان در غالب حمایت از کودتا می‌توانست پشتیبانی مردمی کودتاچیان تلقی شده و هم‌چون آن‌چه که در فرایند کودتای عبدالفتاح السیسی در مصر صورت پذیرفت، زمینه برای مغلوب نمودن اردوغان و سایر رهبران حزب فراهم می‌آمد. از زمان وقوع کودتا، بلافاصله همه احزاب مخالف ترکیه اعم از حزب جمهوری خلق (حزبی که آتاترک رهبری آن را بر عهده داشت)، حزب حرکت ملی و حزب دموکراتیک خلق‌ها (وابسته به کردها) اقدام به محکوم نمودن کودتا نمودند. با آنکه اردوغان در حین بازگشت به فرودگاه استانبول، کودتاچیان را وفاداران به فتح‌الله گولن خطاب کرده بود، حتی او نیز اقدام به محکوم کردن کودتا نمود. گولن، شدیداً تلاش برای کودتا را محکوم کرده است. او در بیانیه کوتاهی اتهام ارتباط با چنین طرحی را رد کرده و گفته است به‌عنوان فردی که در چند دهه گذشته، چند کودتای نظامی از

سر گذرانده، چنین اتهامی را توهین آمیز می‌داند.

۳-۳. جابه‌جایی‌های مکرر اردوغان در سطوح سیاسی - امنیتی: نگاهی به ساختار سیاسی - امنیتی ترکیه در طول سال‌های حکمرانی اردوغان گواه آن است، که وی پیشتر و مرتباً از احساس وقوع چنین کودتاهایی بیم داشته و لذا به‌طور مکرر اقدام به تسویه عناصر مختلف امنیتی-سیاسی در سطح جامعه نموده است (Smith, 2016: 7).

۳-۴. مشروعیت و مقبولیت مردمی اردوغان و حزب عدالت و توسعه: حضور گسترده نیروهای وفادار به او در ارگان‌های مختلف موجب شده تا بخش‌های وسیعی از نظامیان و پلیس بلافاصله پس از وقوع کودتا به وفاداری خود به اردوغان اذعان نموده و به مقابله با کودتاگران برخیزند. در واقع می‌توان این‌گونه اذعان نمود که مشروعیت و مقبولیت مردمی حزب عدالت و توسعه یکی از مهم‌ترین دلایلی بود که موفقیت کودتا از سوی نخبگان ارتش را ناکام گذارد. پس از وقوع کودتا نیز حضور گسترده مردم در خیابان و مقابله با کودتاگران گواه این ادعاست. از دیگر سو، اغلب از کودتا به‌عنوان فرایندی خشونت‌آمیز یاد می‌شود. با این حال کودتاگران از زمان اعلام کودتا، از هرگونه اقدامی جهت خونریزی و بهره‌گیری از مشت آهنین امتناع ورزیده‌اند. حضور مردم در اقصی نقاط مراکز کلیدی ترکیه و رویارویی آنها با کودتاگران منجر به تسلیم و یا خروج بدون درگیری کودتاگران از سطح مراکز فوق شده است. احتمالاً شماری از رهبران کودتا باور داشته‌اند که دست زدن به این امر، حمایت بخش‌هایی از مردم را پشت سر خویش خواهند داشت. امری که هرگز محقق نشد (Chontier, 2016: 4).

۳-۶. عدم توازن میان ارتش ترکیه و دیگر نیروهای نظامی این کشور هم‌چون پلیس:

نقش برجسته نیروهای وفادار ویژه پلیس که پس از شروع مبارزه اردوغان با

گولنیست‌ها از سال ۲۰۱۴ به بعد تشکیل شده بود در ایستادگی در برابر کودتایچیان و کشتن و دستگیری آنها بسیار واضح بود و چند ده نفر از کشته‌شدگان این حادثه از همین نیروهای ویژه بودند. هم‌چنین، نقش برجسته نیروهای سه‌گانه مسلح حامی دولت که در کودتا مشارکت نکرده بودند، در مهار آن که منجر به جان باختن تعدادی از آنها شد.^۱

۷-۳- تاثیر رسانه‌های مجازی در شکست کودتا: واقعیت اینست که نقش رسانه‌های تصویری خصوصی که پیام اردوغان را به مردم و حضور مردم در دفاع از دولت را منعکس می‌کرد و سبب ترغیب بیشتر مردم به حضور در میداين و خیابان‌ها شد از مهم‌ترین عوامل موثر در ناکامی کودتا بود. بخشی از بدنه نیروهای مسلح که گفته می‌شود دادستان نظامی و مشاور رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح طراح آن بوده‌اند، با جذب حدود ۵۰ سرهنگ و چند ژنرال و چندصد سرباز و همکاری فرماندهان نیروی هوایی و زمینی تلاش کردند این کودتا را به نتیجه برسانند و صرفاً به‌طور عمده در شهرهای آنکارا و استانبول با انجام عملیات ایذایی و بمباران پارلمان و تصرف شبکه تلویزیونی دولتی تی.آر.تی و دستگیری رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح و تصرف دو پل حساس و فرودگاه آتاتورک استانبول و برخی اقدامات دیگر، تحرکاتی از خود نشان دادند اما ظرف چند ساعت بازی را واگذار کردند و این کودتا با دستگیری بیش از دو هزار نفر از کودتاگران و کشته شدن قریب ۲۰۰ نفر و زخمی شدن قریب ۱۵۰۰ نفر با شکست مواجه شد (Beaumont, 2016: 6).

۸-۳. عدم حمایت خارجی از کودتایچیان و حمایت آمریکا و برخی دول اروپایی از دولت ترکیه و محکومیت کودتا: نکته حائز اهمیت دیگر در این باره

۱. Sky News Newsdesk (15 July 2016). "Update – Turkish media reports soldiers have entered Turkey's ruling party's Istanbul offices and have asked people to leave.

آن که با وجود دشمنی بسیاری از کشورها و رهبران بین‌المللی با شخص اردوغان، هیچ دولت و یا کشوری با کودتاجیان همدردی ننموده و از آنان حمایت نکرده است. همین امر از دیگر دلایل ناکامی کودتا برآورد می‌شود (Rawlinson, 2016: 16).

۴- آینده ترکیه به کدام سو خواهد رفت؟

در نهایت به ترسیم و نوعی آینده پژوهشی در ترکیه مبادرت خواهیم ورزید. به‌زعم نویسندگان ترکیه و دوران پساکودتا در این کشور می‌تواند شامل سناریوهای مختلفی باشد. در این جا به برخی از مهم‌ترین تحلیل‌ها و سناریوهای محتمل در آینده ترکیه و دوران پساکودتای این کشور مبادرت خواهیم ورزید:

الف - اردوغان و گسترش اقتدارگرایی در ترکیه: واقعیت اینست که رجب طیب اردوغان رهبری است که از میزان آرای ۵۲ درصدی برخوردار است و اگر از منظر امنیت ملی و مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بنگریم، در دوران زعامت حزب عدالت و توسعه، ترکیه رشد خوبی در همه زمینه‌ها داشته است، اما هنگامی که از ابعاد شخصیتی و روانشناختی به ویژگی‌های رجب طیب اردوغان می‌رسیم، باید یک فضای ویژه‌ای برای تحلیل او داشته باشیم. اردوغان پس از آتاتورک، موفق‌ترین رهبری است که در ترکیه توانسته بیشترین طیف‌ها و جریانات و نهادهای ترکیه را با خود همراه کرده و در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سیاست خارجی رشد خوبی را برای مردم ترکیه به‌وجود بیاورد. از این لحاظ او رهبر موفق‌تری است، فردی پراگماتیست و عملگرا که توانسته کارهای قابل توجهی برای ترکیه انجام دهد، اما نمی‌توان انکار کرد که اردوغان از لحاظ منش رفتاری و حزبی، یک انسان تمامیت‌خواه است، فردی خودرأی و کسی که به‌ندرت مشورت می‌پذیرد و انتقادپذیر نیست و عمدتاً نظر کارشناسان را نمی‌پذیرد. اما می‌توان انتظار داشت که کودتای

نافرجام ۱۵ جولای ۲۰۱۶، دست اردوغان را برای پیش‌برد اصلی‌ترین هدف خود که همان تغییر نظام پارلمانی به ریاستی است، باز می‌کند. از سویی دیگر، یکی از عوامل قدرت‌یابی حزب عدالت و توسعه ضعف و بی‌برنامگی احزاب مخالف دولت می‌توان دانست که این احزاب هیچ برنامه مدونی برای خود ندارند و نوعی فرسودگی در بین آن‌ها مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، حزب جمهوری خلق به رهبری «کمال قلیچ دار اوغلو» که قدیمی‌ترین حزب جمهوری ترکیه است و در سال ۱۹۲۳ به‌وسیله «کمال آتاتورک» تأسیس شده است، با این‌که از لحاظ مرام و خط‌مشی یک سوسیال دموکرات است، اما در حال حاضر برای اداره ترکیه هیچ برنامه‌ای ندارد و یک گفتمان ضعیف است. از لحاظ ایدئولوژیک هم دیگر نسل جدید ترکیه هم‌چون قدیمی‌ها و پدران و پدربزرگان خود کمالیسم نیستند و در بهترین حالت، پیش‌بینی بنده این است که بتواند آرای فعلی ۲۳ درصدی خود را حفظ کند.

ب - کردستان ترکیه و سناریوی پیش‌رو در دوران پساکودتا: بحث پ.ک.ک و کردها مهم‌ترین چالش داخلی ترکیه است و برخی اعتقاد دارند که با تحقیر ارتش پس کودتای نافرجام، شاهد شکست‌های ارتش از پ.ک.ک خواهیم بود، اما این به‌زعم نویسندگان دور از دسترس خواهد بود، چرا که اولاً این کودتا از سوی یک بخش کوچکی از ارتش سازماندهی و اجرا شد و تمام ارتش دخیل نبود. از سوی دیگر فرماندهانی که در جنوب ترکیه در حال مبارزه با پ.ک.ک هستند کاملاً انتخاب شده دولت هستند. پس از کودتا نیز، اردوغان که عزم خود را برای محدود کردن مخالفان جزم کرده است و با این شرایط پ.ک.ک و شرایط حزب عدالت و توسعه دیگر نباید در ماه‌های آتی انتظار صلح و گفت‌وگو را داشته باشیم، چرا که هم پ.ک.ک بسیار ضعیف شده و هم ترکیه دیگر ترکیه سابق نیست، ابزارهای اطلاعاتی قوی زمینی، هوایی و پلیسی که ترکیه دارد، شرایط دشواری برای فعالیت پ.ک.ک فراهم خواهد آورد. این در

حالیست که اعتماد بین دولت و پ.ک.ک کاملاً از بین رفته و هم‌چنین فرصت ارزشمندی به نام حزب دموکراتیک خلق نیز از بین رفته است و در این رابطه هر دو طرف در از بین بردن "HDP" یعنی هم پ.ک.ک و هم دولت مقصر هستند. اگر چیزی بتواند مسئله کردی را در ترکیه حل کند به‌زعم نویسنندگان پرونده سوریه است و اگر مسئله کردی سوریه به بخش جدایی‌ناپذیر بازی بزرگان در سطح کلان تبدیل شود، در آن صورت آمریکا، روسیه، ایران و تمام نیروهای دیگر می‌توانند با ترکیه بر سر این مسئله بحث کنند که تکلیف خود را در مواجهه با کردها روشن کند.

ج - ترکیه و چالش استرداد گولن از سوی ایالات متحده: واقعیت امر اینست که فتح الله گولن دارای یک کارتل عظیم بین‌المللی اقتصادی، آموزشی، دینی و یک تشکیلات بزرگ است که در حوزه ضد امنیتی تا اتاق خواب اردوغان نیز نفوذ می‌کند و می‌تواند شنود گسترده‌ای از اردوغان داشته باشد. یک نهاد عجیبی که در ۱۴۰ کشور جهان مدارس و موسسات فرهنگی و آموزشی دارد و هزاران کادر برای خود ایجاد کرده است. باید گفت که دولت دونالد ترامپ در چه شرایطی حاضر می‌شود چنین فردی را به ترکیه بازگرداند؟ فردی با این سطح از سرمایه مالی و انسانی پروسه قضایی بسیار طولانی و پیچیده‌ای را می‌طلبد تا به ترکیه تحویل داده شود. سازمان «میت» ترکیه رایزنی‌هایی با مقامات آمریکا کرده و تلاش دارد تا یک راه میانه یعنی تبعید گولن به کشور «اوگاندا» را پیش بکشد. اما تحویل گولن به ترکیه بسیار بعید و مخاطره‌آمیز و پیچیده است و در صورت چنین اتفاقی بدون شک دولت آمریکا امتیازات قابل توجهی از دولت آنکارا طلب خواهد کرد.

د - دولت ترکیه و قانونی کردن حکم اعدام معاندین: یقیناً بازگرداندن حکم اعدام در این شرایط که ترکیه به‌شدت به دنبال عضویت در اتحادیه اروپاست بسیار بعید است، شاید اردوغان به‌صراحت به زبان نمی‌آورد، اما پیوستن به

اتحادیه اروپا برای ترکیه بسیار حیاتی است و ترکیه هیچ وقت پیوستن به این اتحادیه را با اعدام چند ژنرال و یک لذت زودگذر عوض نمی‌کند و به‌نظرم این سخن آقای اردوغان درباره اعدام کودتاگران صرفاً یک تهدید است و مصرف داخلی دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله مساعی نویسندگان تحلیل و واکاوی کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریه شکاف‌های اجتماعی بوده است. اصولاً مفهوم شکاف‌های اجتماعی در گام نخست تداعی‌کننده وجود اختلافات و تمایزات گسترده در میان دو یا چندین گروه سیاسی و اجتماعی می‌باشد. وقوع کودتای مذکور به‌زعم نویسندگان شکاف‌های متعددی میان گروه‌های مختلف سیاسی در ترکیه هم‌چون نیروهای نظامی، اکراد، سنی‌ها، علویان، اسلام‌گرایان و احزاب لائیسیتیه ایجاد نمود. لکن محوریت مقاله کنونی تبیین شکاف‌های ایجاد شده میان ارتش به‌عنوان نخبگانی که سال‌ها در بخش مهمی از سیاست ترکیه دخیل بودند و حزب عدالت و توسعه به‌عنوان زمامدار و نخبگان حاکم بر نظام سیاسی ترکیه بوده است. نخبگان نظامی و ارتش ترکیه به‌عنوان پرچمداران مبانی کمالیستی در ترکیه با به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بسیاری از امتیازات و داشته‌های خود را از دست رفته می‌دیدند. مواردی هم‌چون محدود کردن نقش ارتش در شورای امنیت ملی، منحل شدن سازمان ارگنه‌کن، اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۱ و سلب مصونیت‌های ارتش، اصلاح ماده ۳۵ قانون اساسی در سال ۲۰۱۳ و محروم کردن ارتش از توانایی‌های ارزشی خود (حفظ و حراست از سنت کمالیستی، عدول حزب اعتدال و توسعه از ارزش‌های کمالیستی و در نهایت سرکوب جنبش گولن. از سویی دیگر، برخی دیگر از مواردی که به تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان حزب حاکم و نخبگان ارتش

دامن زد و به طرح و اجرای کودتا منجر گردید که به‌زعم نویسندگان ذیل عوامل تسهیل‌کننده قرار می‌گیرند عبارتند از: نمایان شدن ضعف دولت اردوغان در برقراری امنیت و ترویج تروریسم، هزینه‌سازی فراوان دولت اردوغان در بحران سوریه، ضعف شدید دولت در تقابل با گروهک‌های پ.ک.ک و در نهایت عدم توانایی دولت اردوغان در تحقق آرمان‌های کمالیستی از یک‌سو و تشدید برخی بحران‌ها با قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای هم‌چون رویکرد اردوغان در قبال روسیه و عذرخواهی وی در قبال پوتین. مجموعه عوامل فوق، همگی نخبگان ارتش و نظامی ترکیه را به طرح و اجرای کودتا واداشت. هرچند کودتا در همان اوان کار به شکست منتهی گردید. مقبولیت و مشروعیت مردمی حزب عدالت و توسعه، عدم هماهنگی کودتاجیان، فقدان حمایت‌های درونی و خارجی از ارتشیان و برخی دیگر از دلایل گواهی بر شکست زودهنگام کودتا بوده‌اند. هرچند وقوع کودتای نافرجام در ترکیه، نشان دهنده اوج شکاف‌ها و چالش‌های سیاسی و اجتماعی در ترکیه بوده است و این انتظار می‌رود که اردوغان به برخی از اصلاحات سیاسی مبادرت ورزد و به جلب رضایت نیروهای مخالف اقدام نماید، لکن، نویسندگان در جمع‌بندی مقاله معتقدند که شکست در کودتا به‌نظر می‌رسد سیاست‌های اقتدارگرایانه حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان را توسعه خواهد بخشید و این در خصوص بحران کردستان و سرکوبی افراد (به‌ویژه پ.ک.ک)، انزوای مخالفین دولت، قانونی کردن اعدام مخالفین و سرکوب و انزوای جنبش گولن مصداق بارزتری خواهد یافت.

منابع

الف) فارسی

- بشیریه، حسین؛ قاضیان، حسین (۱۳۸۰)، «بررسی تحلیل مفهوم شکاف‌های اجتماعی»، *مجله شناخت* (۳۰)، ۷۴-۳۹.
- جلالی، رضا (۱۳۹۱)، «چشم‌انداز روابط ارتش ترکیه و حزب عدالت و توسعه»، *مجله مطالعات روابط بین‌الملل* (۱۸)، ۹۲-۷۳.
- خواجeh سروی، غلامرضا؛ میرزایی، حسین (۱۳۹۱)، «اسلام سیاسی در ترکیه و آینده آن»، *مجله مطالعات خاورمیانه* (۶۸)، ۱۱۴-۹۵.
- ساعی، احمد؛ محمدزاده، مرتضی (۱۳۹۲)، «حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۶(۲)، ۴۱-۶۰.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۰)، «شکاف‌های اجتماعی، مجلس ضعیف و دولت لویاتانی»، *مجله اسناد بهارستان، ضمیمه فصلنامه*، ۱۵۳-۱۷۶.
- طباطبایی، سید محمد (۱۳۹۲)، «شکاف‌های نوین سیاسی در جوامع اروپایی»، *مجله روابط خارجی*، (۱۸)، ۲۲۰-۱۸۹.
- فکری، محمد؛ اینانلو، مینا؛ فکری، احمد (۱۳۹۳)، «بررسی جامعه‌شناختی جنبش فتح الله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، (۷) ۳، ۹۹-۷۵.
- فلاحت پیشه، حشمت الله؛ ولدبیگی، صدر (۱۳۹۳)، «آثار فکری گولنیسم و جنبش نور در سیاست و حکومت ترکیه»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۲ (۶)، ۱۱۵-۸۹.
- قاسمی، علی اصغر (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی شکاف‌های اجتماعی و ارائه راهبردهایی برای تقویت همبستگی ملی در ایران»، *مجله راهبرد* (۷۱)، ۴۱-۷۲.
- قهرمان پور، محمد (۱۳۸۹)، *اصلاحات قانون اساسی ترکیه، گامی جدید به سوی دموکراسی، گفتگو با دیپلماسی ایرانی*، یکشنبه ۱۱ مهر.

تبیین دلایل کودتای نافرجام ۱۵ جولای ... ۲۰۹

Archive of SID

کریاسی، محمد (۱۳۸۹)، یک رفتارندوم و دو پیروزی، خبرگزاری مهر، شنبه ۳ مهر. مسعودنیا، حسین؛ خانی، اعظم (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی کودتاهای ۱۹۵۳ ایران، ۱۹۵۴ گواتمالا و ۱۹۷۳ شیلی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی* (۷)، ۴، ۲۱۷-۲۷۴.

مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود؛ فروغی، عاطفه (۱۳۹۱)، «تاثیر برنامه هسته‌ای ایران بر امنیت ملی ترکیه در پرتو تئوری توازن قوا»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱ (۲)، ۶۷-۸۲.

نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۴ (۴)، ۹۷-۱۳۵.

نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۱)، «اسلام ترکی تقابل با اسلام انقلابی مروزی بر اندیشه‌های فتح الله گولن»، *مجله رهیافت انقلاب اسلامی* (۱۹)، ۶۱-۷۸.

ب) انگلیسی

Bodkin, Henry & Other (2016), Turkey coup attempt: World leaders warn President Erdogan not to use uprising as excuse for crackdown as more than 6,000 arrested, *The Telegraph News*, 18 July 2016.

Deji, Olanike (2011), *Gender and Rural Development*, London: LIT Verlag Mnnster.

Devrimci, Yol (2014), Defense of the Revolutionary Path, *Ankara press*, January 2014.

Dilipak, Abdurrahman (2014), *Ihtilaller Donemi*, Istanbul: Dogan Ofset publish.

Feldberg, Sarah (2016), Turkey tourism faces daunting uphill climb, GLOBAL RESCUE, in Access: WWW.GLOBALRESCUE.COM.

Fisk, Robert (2016), Why did President Erdogan restart the battle with the Kurdish PKK? The answer lies in the tale of the failed coup, *Independent*, 11 October 2016.

Gun, Christopher (2015), "The 1960 Coup in Turkey: A U.S. Intelligence Failure or a Successful Intervention?", *Journal of Cold war studies*, 17(2), 103-139.

Haugom, Lars (2012), *The Turkish Armed Forces in Politics*, Norwegian Institute for Defence Studies.

Kocamaner, Hikmet (2016), "How New Is Erdoğan's New Turkey?", *Jourran of Middle East Breif* (91), 1-9.

Kolmuss, A & Agyeman, J (2002), "Mind the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro-

Archive of SID

- environmental behavior”, *Journal of Environmental Education Research* (8), 239–260.
- Lewis, Philipe (2016), Turkey coup attempt: Erdoğan calls military uprising 'treason' – live updates, *the Guardian*, 16 July 2016.
- Litovkin, Nikola (2016), *Why Erdogan apologized to Putin?*, Russia Beyond the Headlines, 28 June 2016.
- McKay, Andrew (2002), “Defining and Measuring Inequality”, *Journal of Briefing Paper*, (1), 1- 3, March.
- Montgomery, Devin (2008), Turkey arrests two ex-generals for alleged coup plot, Jurist Press.
- Naylor, R. T (2015), *Hot Money and the Politics of Debt*, (3Eed), McGill-Queen's Publication.
- Neckerman, Kathryn & Florencia, Torche (2007), “Inequality: Causes and Consequences”, *Annual Review of Sociology* (33), 335–357.
- Orhan, Oytun (2015), Effects of the Syrian Refugees on Turkey, ORSAM Report (195), 1-42, January 2015.
- Ozan, Varol (2014), “The Democratic Coup d'E' tat”, *Harvard International Law Journal*, Volume, 53(2), 2-24.
- Rawlinson, Kevin (2016), Turkey military coup: tanks open fire near parliament building live updates, *The Guardian*, 16 July 2016.